



پیام آفرینان مطبوعات ایران

(بخش اول)

تحقیق و نگارش از: دکتر مهدی محسنیان‌راد و همکاران

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

اشاره:

پیام آفرینان مطبوعات ایران بخش مستقل از تحقیقی است با عنوان "وضعیت نیروی متخصص مطبوعات و آموزش روزنامه‌نگاری در ایران" که به خواست و سفارش مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها به وسیله آقای دکتر مهدی محسنیان‌راد محقق و مدرس علوم ارتباطات اجتماعی و همکاران ایشان تهیه شده است. آنچه در پی می‌آید چکیده دو فصل از این تحقیق است. فصل‌های دیگر این تحقیق در شماره‌های آینده تقدیم خوانندگان گرامی خواهد شد.

زمینه مورد بررسی

پس از یک قرن و نیم که از انتشار نخستین روزنامه می‌گذرد، تاریخ مطبوعات کشور وارد مرحله جدیدی شده که بی‌نظیر و به طور نسبی، امیدوارکننده است.

در هیچ زمانی، تنوع عناوین مطبوعات ایران، چه از نظر تعداد و چه وسعت موضوعات، همچون اکنون (۱۳۷۱) نبوده است.

اگر انتشار نخستین شماره هر روزنامه را به عنوان یک واحد محسوب کنیم و فراوانی روزنامه‌های هر سال را به صورت منحنی

ترسیم نماییم، خواهیم دید که هرگاه از قدرت حکومت کاسته شده، تعداد روزنامه‌ها افزایش یافته است.

از سال ۱۲۱۵ شمسی (۱۸۳۷م) که روزنامه کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی منتشر شد تا ۱۲۸۶ (۱۹۰۷م) که مظفرالدین‌شاه فرمان مشروطیت را امضا کرد، روند انتشار مطبوعات جدید، به صورت خطی و افقی و در ارتفاعی پایین رو به جلو رفت و تا حدود ۴۰ سال بعد که به بالاترین نقطه صعود کرد.

با قدرت نمایی محمد علی شاه و به توپ بستن مجلس و اعدام دو روزنامه‌نگار، صعود سریع مذکور تبدیل به یک نزول سریعتز شد. با خلع محمد علی شاه و پیروزی مردم در انقلاب واقعی مشروطیت، منحنی دوباره رو به صعود گذارد. با اتمام این دوره، در سال ۱۲۹۰ (۱۹۱۱م) و آغاز حکومت دیکتاتوری ناصرالملک، تعداد روزنامه‌های جدید به چیزی در حدود آمارهای قبل از مشروطیت تنزل کرد.

اگر این روند را تا ۱۳۲۵ (۱۹۴۶م) دنبال کنیم، خواهیم دید که پس از آن مجدداً این تعداد روبه افزایش گذاشته است. با آغاز حکومت دیکتاتوری رضا شاه، منحنی مجدداً نزول کرد، به طوری که طی سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ (۱۹۳۶ تا ۱۹۴۱م) - اوج قدرت رضاشاه -، نقاطی دیده می‌شود که مجدداً تعداد روزنامه‌های جدید به قبل از مشروطیت رسیده است. در سالهای ۱۳۲۰/۱۹۴۱ م پس از اجبار به استعفای رضاشاه و کاهش قدرت حکومت، مجدداً تعداد روزنامه‌های تازه رو به افزایش گذاشت و زمانی که حکومت مرکزی دچار ضعفهای شدیدی بود و در این سو و آن سوی کشور شورش و غائله برپا بود. (پیشه وری در آذربایجان، ناصر قشقای در فارس، قاضی محمد در کردستان) و همچنین در شرایطی که قوای روسیه علی‌رغم پایان یافتن جنگ جهانی دوم، هنوز در خاک ایران به سر می‌برد، و در شرایط شکل‌گیری حزب توده در ایران، تعداد روزنامه‌های جدید، مجدداً روبه افزایش گذارد.

مشابه چنین منحنی را نه فقط در مورد انتشار روزنامه‌های جدید، بلکه در مورد مجموع نشریات منتشر شده هر سال، از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۷۱ دنبال کرده‌ایم. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶، روند مطبوعات حالتی افقی داشته و حتی در مواردی نزول منحنی نیز دیده می‌شود. با آغاز حرکت‌های مردمی در سال ۱۳۵۶، منحنی مذکور روبه صعود می‌گذارد و انتشار نزدیک به چهارصد نشریه میزان جدیدی را در تاریخ مطبوعات کشور به وجود می‌آورد.

رویدادهای بعدی بویژه مقابله دو گروه سیاسی با جمهوری اسلامی ایران و وقوع جنگ تحمیلی، همزمان با سقوط منحنی می‌شود. منحنی ابتدا به شدت رو به پایین می‌رود و سپس از سال ۱۳۶۴، صعودی کند را آغاز می‌کند. اما با پایان یافتن جنگ تحمیلی از سال ۱۳۶۸، منحنی صعود بسیار چشمگیری را شروع می‌کند و سال ۱۳۷۱ که در تاریخ ۱۵۵ ساله مطبوعات ایران، چه از نظر تعداد، چه تنوع موضوعات و چه پیام‌آفرینان آن بی‌نظیر است.

علت بی‌نظیر خواندن پیام‌آفرینان ناشی از بافت آنها، هدف آنها از کار روزنامه‌نگاری و در واقع حرفه‌ای بودن فعالیت است. تصور می‌شود که به هنگام شکل‌گیری انقلاب مشروطیت و سقوط رضاشاه تا زمان انقلاب اسلامی روزنامه وسیله‌ای برای مبارزات حزبی بود. آن‌چنانکه در انقلاب اسلامی ۶۰/۴ درصد روزنامه‌های نوانتشار رسماً مربوط به ۸۸ گروه و دسته سیاسی مختلف بودند که اگر آن دسته از نشریات که وابستگی خود را به وضوح اعلام نمی‌کردند، بر این تعداد بیفزاییم نسبت مذکور بیش از ۶۰ درصد می‌شود.

در واقع در آن مقاطع، انتشار مطبوعات بیشتر وسیله بوده تا هدف، در حالی که سال ۱۳۷۱ نه آن جنگ‌های قدرت میان احزاب و گروه‌ها - به شیوه مقاطع گذشته - وجود داشته و نه قدرت حکومت دچار شرایط مقاطع مذکور بوده‌است و در واقع انتشار نشریه بیشتر هدف بوده تا وسیله. در نتیجه می‌توان گفت که مقطع مذکور، می‌تواند نقش خاصی در توسعه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در ایران ایجاد کند.

تحقیقات تاریخی مربوط به شناخت روزنامه‌نگاران ایران، پیشینه‌ای دراز دارد. در میان پیشگامان، نام مرحوم صدر هاشمی، با کتاب چهار جلدی تاریخ جراید و مجلات ایران در صدر قرار دارد. اما در این حوزه مطالعات جامعه‌شناختی، بسیار کم انجام شده و ضرورت دارد در کنار مطالعات تاریخی، از این دست تحقیقات بیشتر دنبال شود و حتی توصیه می‌شود، هر ده سال یک

بار، مشابه آنچه در اینجا انجام شده تکرار، شود و نتایج، مورد مقایسه قرار گیرد.

مطبوعات امروز ایران را از نظر نیروی انسانی قلم به دست می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. نشریاتی که اکثریت نیروی انسانی آنها را روزنامه‌نگاران و کارکنان تمام وقت تشکیل می‌دهند؛

۲. نشریاتی که اداره‌کنندگان آنها، تمام وقت هستند، ولی تولید اصلی پیام آنها به وسیله روزنامه‌نگاران پاره‌وقت، حق‌التحریری و حتی افتخاری تأمین می‌شود؛

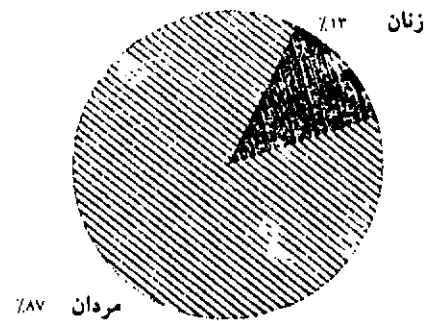
۳. نشریاتی که صاحب امتیازی، حرفه دوم یا بیش از دوم، مالک نشریه بوده و نشریه فاقد نیروی انسانی حقوق‌بگیر مستمر است و محتوای نشریه به کمک همکاریهای افتخاری قلم به دستهای فرهنگ‌دوست و تا حدودی متفنن شکل می‌گیرد، ضمن آنکه دستمزد برخی به صورت حق‌التحریری پرداخت می‌شود.

در بررسی حاضر، تخمین زده می‌شود که حدود ۲۷ درصد پیام‌آفرینان مطبوعات ایران، حرفه‌ای‌های تمام وقت، ۲۵ درصد، حرفه‌ای‌های نیمه وقت و ۴۸ درصد بقیه، پاره‌وقت و حق‌التحریری باشند.

در طول اجرای عملیات میدانی این طرح، دسترسی به گروه اول (روزنامه‌نگاران تمام وقت) نسبتاً آسان بود، اما ممکن بود که عده‌ای از افراد گروه دوم و بویژه گروه سوم به هنگام پرسشگری در دفتر نشریه حضور نداشته باشند و حتی تاریخ مراجعه بعدی آنها نیز نامشخص باشد. به همین دلیل در برخی از نشریات، پس از اتمام پرسشگری فرمهای اضافی در اختیار نشریه قرار می‌گرفت و تقاضا می‌شد تا مراجعه بعدی پرسشگر، آن را به طریق پرسش همکاران پاره‌وقت تکمیل کنند، در مراجعات تلفنی و حضوری بعدی به تدریج برخی از اطلاعات مذکور به دست می‌آمد. با اجرای تدابیر فوق، ترکیبی از هر سه گروه در نمونه آماری نزدیک به جمعیت آماری حاضر جای گرفت. اما علی‌رغم تمام تلاشهای فوق،

نمی‌توان ادعا کرد که حتی ۱۰۰ درصد تمامی روزنامه‌نگاران تمام وقت مطبوعات ایران در این بررسی شناسایی و مورد پرسش قرار گرفته‌اند. اما با اطمینان می‌توان گفت که نسبت مذکور بیش از ۹۰ درصد است و بی‌شک می‌توان نتایج حاصله از نمونه ۹۰ درصد را به کل جامعه تعمیم داد. ضمن آنکه در بسیاری از تحلیلهای انجام شده، از فرمولهای آماری استفاده و نتایج در سطوح اطمینان ۹۸ درصد و بیشتر مطرح شده‌است.

نمودار مقایسه نسبت زنان و مردان در میان روزنامه‌نگاران ایران



فصل اول

مشخصات عمومی روزنامه‌نگاران ایران

۱. جنس

۲۷۸ تن از ۲۱۴۵ روزنامه‌نگار مورد بررسی را زنان تشکیل می‌دهند. به این ترتیب سهم روزنامه‌نگاران زن ایران، حدود ۱۳ درصد است.

نسبت زنان و مردان، در میان روزنامه‌نگاران تمام وقت (حدود ۴۰ ساعت کار در هفته) و پاره‌وقت (حق‌التحریری تا ساعتی)، تفاوت چندانی ندارد. (۱۳/۳) درصد تمام وقت و ۱۲/۸ درصد پاره‌وقت).

اما سهم زنان روزنامه‌نگار در تهران حدود دو برابر شهرستانهاست (۱۳٪ و ۷/۶٪). همان گونه که جدول شماره یک نشان می‌دهد، این تفاوت در هر دو گروه روزنامه‌نگاران تمام وقت و پاره وقت دیده می‌شود و وجود کای اسکویئر (Chi-square) ۱۱/۱ با درجه آزادی ۳ نشانگر حدود اطمینان ۹۸ درصد برای این تفاوت است.

در میان انواع نشریات، از نظر موضوع، فقط نشریات مربوط به بانوان و خانواده است که نسبت زنان روزنامه‌نگار در آنها بیش از مردان است (۶۱٪ و ۳۹٪). این نسبت در مورد نشریات پزشکی نیز بالاست به طوری که ۴۴/۷ درصد روزنامه‌نگاران این گونه از نشریات را زنان تشکیل می‌دهند. نشریات کودکان و نوجوانان در سومین ردیف از نظر دارا بودن زنان روزنامه‌نگار قرار دارند (۲۴/۶ درصد). این نسبت برای نشریات بین‌المللی (تهران تایمز، کیهان اینترنشنال و...) ۱۴/۸٪، مجلات عمومی ۱۴/۵٪، مجلات فنی - مهندسی ۱۳/۶٪، علوم انسانی و علوم اجتماعی ۱۲٪، علمی تخصصی کشاورزی ۱۱/۸٪، مجلات علمی برای عامه ۱۰/۶٪ و روزنامه‌های یومیه مملکتی ۱۰٪، مطبوعات ناحیه‌ای ۹/۳٪، هنری ۶/۹٪، ورزشی ۴/۸٪، طنز و کاریکاتور ۲٪ و نشریات دینی ۰/۵٪ است. در گروه نشریات نظامی و انتظامی و نشریات اقوام روزنامه‌نگار زن دیده نمی‌شود.

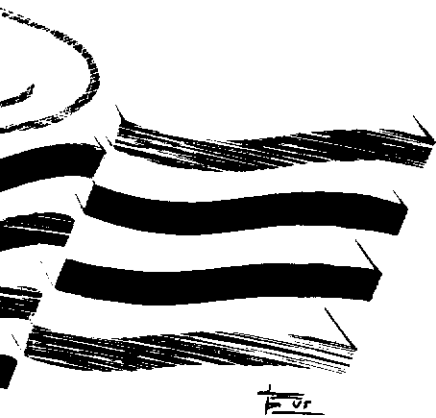
۲. سن

میانگین سن روزنامه‌نگاران ایرانی ۳۷/۴ سال است. (با انحراف استاندارد ۱۱/۱۰ سال). یک سوم روزنامه‌نگاران را افراد گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال تشکیل می‌دهند.

میانگین سنی روزنامه‌نگاران شامل در مطبوعات روزانه ۳۳/۲ سال، با انحراف استاندارد ۹/۲ سال، مطبوعات هفتگی ۳۶/۲ سال، با انحراف استاندارد ۱۱/۳ و ماهنامه‌ها و فصلنامه‌ها و... ۳۹/۶ سال با انحراف استاندارد ۱۱/۲ است. در واقع روزنامه‌نگاران نشریات روزانه، جوانتر از نشریات هفتگی و ماهانه هستند و سن آنها

پراکندگی کمتری از دو گروه دیگر دارد. «نما» در مطبوعات روزانه، هفتگی و سایر مربوط به گروه سنی «۳۱ تا ۴۰ سال» است. اما نسبت مذکور در مطبوعات هفتگی، ۴۰/۶ درصد، روزانه ۳۹/۸ درصد و سایر ۲۷/۱ درصد است. محاسبه فرمول کای اسکویئر نشان می‌دهد که با ۹۹/۹ درصد اطمینان، روزنامه‌نگاران نشریات روزانه، هفتگی و ماهانه از نظر سن تفاوت معنی‌داری دارند (کای اسکویئر برابر ۱۹۸/۲، درجه آزادی ۱۴).

روزنامه‌نگاران تمام وقت، جوانتر از پاره‌وقتها و روزنامه‌نگاران زن، جوانتر از روزنامه‌نگاران مرد هستند، به طوری که میانگین سن روزنامه‌نگاران تمام وقت ۳۴/۲ سال (انحراف استاندارد ۹/۳) و میانگین سن روزنامه‌نگاران پاره‌وقت ۳۹/۴ سال (انحراف



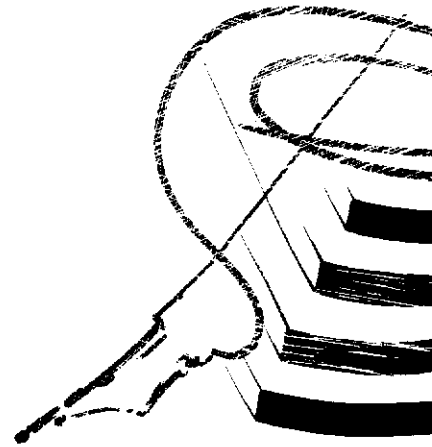
استاندارد ۱۱/۶) است. میانگین سن روزنامه‌نگاران مرد ۳۸/۱ (انحراف استاندارد ۱۱/۳) و میانگین سن روزنامه‌نگاران زن ۳۲/۸ (با انحراف استاندارد ۸/۳ سال است.

سابقه کار

میانگین سابقه کار روزنامه‌نگاران ۴/۱۴ سال با انحراف استاندارد ۴/۸ سال است. نمای این سابقه، کمتر از یک سال است. به طوری که بالاترین نسبت مربوط به گروه کمتر از یک سال (۱۶/۷٪) و پس از آن برای گروه ۲ تا ۳ سال (۱۵/۹٪) است. در واقع سه چهارم

روزنامه‌نگاران ایرانی، افرادی هستند که هیچ‌کدام سابقه روزنامه‌نگاری بیش از ده سال ندارند. میانگین سابقه کار روزنامه‌نگاران شهرستانی، کمی بیش از تهرانی‌هاست (۴/۵ و ۴/۹ سال) ضمن آنکه انحراف استاندارد سابقه خدمت شهرستانی‌ها نیز بیش از تهرانی‌هاست (۵/۸ سال و ۴/۵ سال)، به همین ترتیب، سابقه خدمت روزنامه‌نگاران تمام وقت با میانگین ۵ سال و انحراف استاندارد ۵/۶ سال بیش از روزنامه‌نگاران پاره‌وقت با میانگین ۳/۶ و انحراف استاندارد ۳/۸ سال است.

میانگین سابقه روزنامه‌نگاری برای روزنامه‌نگاران نشریات یومیه ۴/۷ سال با انحراف استاندارد ۵/۶ سال، مطبوعات هفتگی ۴/۹ سال (انحراف استاندارد ۵/۴ سال) و سایر مطبوعات ۳/۷ سال (انحراف



استاندارد ۴/۱ سال) است. مقدار نما برای مجموع روزنامه‌نگاران ایرانی و همچنین روزنامه‌نگاران تمام وقت گروه «کمتر از یک سال» و برای روزنامه‌نگاران پاره وقت «تا ۲ سال» است. نما برای هر سرگروه مطبوعات روزانه، هفتگی و ماهانه و... نیز کمتر از یک سال است.

محل اشتغال از نظر موضوع نشریه

بالاترین نسبت روزنامه‌نگاران تمام وقت کشور (۳۷/۶ درصد) در روزنامه‌های

مملکتی (مانند کیهان، اطلاعات، رسالت، ابرار، سلام، کار و کارگر، جهان اسلام و...) مشغول به کار هستند. پس از آن مجلات عمومی (مانند اطلاعات هفتگی و...) با ۹/۳ درصد و نشریه‌های محلی و ناحیه‌ای (مانند روزنامه خراسان، آوای مازندران، اوحدی مراغه، بهار آذربایجان و...) با ۸/۲ درصد در ردیف‌های دوم تا سوم قرار دارند.

بیشترین گروه روزنامه‌نگاران پاره‌وقت (۲۱/۳) در مجلات علوم انسانی و علوم اجتماعی (از جمله نشریات دینی) مشغول فعالیت هستند. پس از آن به ترتیب نشریات علمی برای عامه (۱۴/۷٪) و نشریات محلی و ناحیه‌ای (۱۲/۴٪) قرار دارند.

بی‌توجه به سهم روزنامه‌نگاران تمام وقت یا پاره وقت کشور در هر یک از انواع مطبوعات، اگر روزنامه‌نگاران هر گروه از نشریات را ۱۰۰ فرض کنیم ۸۰/۴ درصد روزنامه‌نگاران روزنامه‌های مملکتی (کیهان، اطلاعات و...) را روزنامه‌نگاران تمام وقت تشکیل می‌دهند. این نسبت در مجلات عمومی ۳۷ درصد و مطبوعات محلی ۲۴ درصد است. بیشترین نسبت روزنامه‌نگاران پاره وقت، در نشریات علوم انسانی و علوم اجتماعی هستند، به طوری که ۸۶/۳ درصد تحریریه این نشریات، به صورت پاره وقت هستند.

محل اشتغال از نظر مخاطبین نشریه

نشریات کشور را می‌توان از نظر مخاطبین به ۹ دسته تقسیم کرد. ۳۹/۵ درصد روزنامه‌نگاران در نشریاتی کار می‌کنند که مخاطبین آنها توده مردم هستند. پس از آن نشریاتی قرار دارند که گروه خاصی از توده مانند اهالی یک شهر یا استان و یا اقلیتهای مذهبی - مانند روزنامه آلیک و از این قبیل - مخاطبین آنها را تشکیل می‌دهند (۳۵/۲ درصد).

۵۱/۶ درصد روزنامه‌نگاران تمام وقت در نشریاتی کار می‌کنند که مخاطبین آنها توده، بی‌توجه به سن یا جنس است و به همین ترتیب ۳۲/۱ درصد در نشریاتی با مخاطبین گروه خاصی از توده مانند

نشریات محلی، شاغل هستند.

بیشترین گروه روزنامه‌نگاران پاره‌وقت نیز در همان نشریات با مخاطبین گروه خاصی از توده مشغول فعالیت هستند (۳۶/۸٪). پس از آن گروه نشریات با مخاطبین توده (بی‌توجه به سن) با ۳۳/۷ درصد قرار داد.

محل اشتغال از نظر وابستگی نشریه

مطبوعات کشور را می‌توان از نظر وابستگی به دودسته تقسیم کرد، نشریاتی که به یکی از سازمانهای غیرمطبوعاتی (اعم از دولتی یا غیردولتی) وابسته هستند (مانند بسیاری از مجلات دانشگاهها، وزارتخانه‌ها و سازمانها) و گروه دوم، نشریاتی که کاملاً غیروابسته و یا وابسته به یکی از مؤسسات مطبوعاتی (مانند کیهان یا اطلاعات) هستند. با این دسته‌بندی می‌توان گفت که ۵۰/۶ درصد روزنامه‌نگاران (اعم از پاره‌وقت و یا تمام وقت) در نشریاتی کار می‌کنند که غیرمستقل و یا وابسته به مؤسسات غیرمطبوعاتی هستند. از سوی دیگر می‌توان گفت که ۶۱/۳ درصد مطبوعات مستقل، یا وابسته به مؤسسات مطبوعاتی مشغول به کارند. در مورد روزنامه‌نگاران پاره‌وقت، این نسبت به ترتیب ۴۵/۵ درصد (وابسته) و ۵۰ درصد (مستقل) است.

محل اشتغال از نظر فاصله انتشار

از میان ۲۱۴۵ روزنامه‌نگار مورد بررسی، ۸۴۸ نفر (۳۹/۵ درصد) در مطبوعات ماهانه - چه به صورت تمام وقت و یا پاره‌وقت - مشغول فعالیت هستند. پس از آن، روزنامه‌نگاران روزنامه‌های یومیه قرار دارند که مرکب از ۴۹۷ نفرند (۲۳/۲ درصد). تعداد روزنامه‌نگاران نشریات هفتگی ۳۱۰ نفر (۱۴/۵ درصد)، فصلنامه‌ها ۲۳۳ نفر (۱۰/۹ درصد)، دو هفته یک شماره، ۱۴۵ نفر (۶/۸ درصد)، دو ماه یک شماره، ۵۴ نفر (۲/۵ درصد) و دو شماره در سال ۳۲ نفر (۱/۵ درصد) است. برای سایر نشریات (سه شماره در هفته، دو شماره در هفته، سه شماره در سال و سالنامه‌ها) نسبت

مذکور - هر کدام - کمتر از یک درصد است. ۶۸ درصد تحریریه روزنامه‌های یومیه را روزنامه‌نگاران تمام وقت تشکیل می‌دهند (۳۳۸ نفر از ۴۹۷ نفر) این نسبت برای هفته‌نامه‌ها ۴۱ درصد، ماهنامه‌ها ۲۰ درصد و فصلنامه‌ها ۹ درصد است.

میزان تجربه کار مطبوعاتی

۱۷/۷ درصد روزنامه‌نگاران، قبل از کار در نشریه‌ای که آمارگیری در آن انجام شد، به فعالیت‌های مطبوعاتی در نشریات دیگر اشتغال داشته‌اند. ۲/۳ درصد شاغل در رادیو و تلویزیون و ۰/۶ درصد مشغول به کار در واحدهای روابط عمومی بوده‌اند. اگر ۱/۲ درصد شاغلین به ترجمه، ۰/۶ درصد شاغل در حرفه‌های عکاسی، سینما و تئاتر، ۰/۱ درصد شاغلین در تبلیغات را نیز به این مجموعه بیفزاییم خواهیم دید که ۲۲/۵ درصد روزنامه‌نگاران ایرانی دارای پیشینه مشاغل مربوط به ارتباطات بوده‌اند و ۷۷/۵ درصد بقیه، پیش از شروع به کار در نشریه مورد آمارگیری فاقد چنین تجربه‌ای بوده‌اند. این نسبت برای روزنامه‌نگاران تمام وقت ۲۹/۲ درصد و برای روزنامه‌نگاران پاره‌وقت ۱۹/۱ درصد است. تجربه مذکور در میان روزنامه‌نگاران شاغل در نشریات یومیه بیش از بقیه نشریات (۳۰/۹ درصد) است. این نسبت برای مطبوعات هفتگی ۲۴/۵ درصد و سایر مطبوعات (ماهانه فصلنامه و غیره) ۱۸/۷ درصد است.

عنوان شغل اصلی روزنامه‌نگاران در مطبوعات

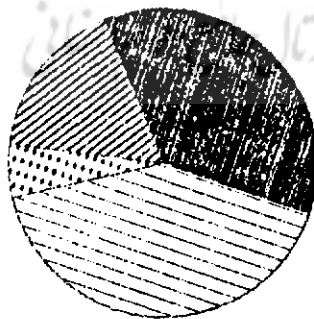
عناوین شغلی روزنامه‌نگاران در مطبوعات ایران نسبتاً متنوع و شاید تا حدودی سلیقه‌ای و غیر استاندارد است و به همین دلیل تهیه کدنامه و دسته‌بندی آنها در بررسی حاضر با دشواریهایی همراه بود. اما کوشش شد که به طور نسبی دسته‌بندی قابل پذیرشی به وجود آید. به عنوان مثال، مشاغلی با عناوین دبیر سرویس، مسؤول سرویس، دبیربخش، مسؤول بخش، مسؤول گروه و مدیر اجرایی با کد ۷ در یک

دسته قرار گرفت. به همین ترتیب، عضو تحریریه، عضو شورای نویسندگان و نویسنده با کد ۱۳ در یک دسته قرار داده شد. ۳۶/۴ درصد روزنامه‌نگاران، در گروه نویسندگان، عضو شورای تحریریه، عضو شورای نویسندگان قرار گرفته‌اند. پس از آن خبرنگار و گزارشگر قرار دارد که ۱۶/۹ درصد مشاغل را در برمی‌گیرد. از عناوین شغلی دیگری که عده بیشتری را در بر گرفته، می‌توان به دبیر سرویس، مسؤول بخش (۷/۱٪)، مترجم و مترجم - نویسنده (۵/۵ درصد)، سردبیر، دبیر تحریریه (۴/۲٪)، اشاره کرد.

در میان روزنامه‌نگاران تمام وقت، «نما» مربوط به عنوان شغلی خبرنگار و گزارشگر است که ۳۳ درصد مجموع روزنامه‌نگاران تمام وقت را شامل می‌شود. عنوان شغلی نویسنده با نسبت ۱۶/۶ درصد، پس از آن قرار دارد و بعکس، بزرگترین گروه شغلی روزنامه‌نگاران پاره‌وقت با ۴۵/۹ درصد مربوط به نویسندگان و عضو تحریریه است، ضمن آنکه ۹/۱ درصد از روزنامه‌نگاران پاره‌وقت دارای عنوان شغلی خبرنگار و گزارشگر هستند.

نمودار سهم هریک از عناوین شغلی

روزنامه‌نگاران ایران



۱ - نویسنده	۳۶/۴	۲ - خبرنگار	۱۶/۹
۳ - مترجم	۷/۱	۴ - سایر	۲۱/۲

توزیع مشاغل مذکور در مطبوعات روزانه، هفتگی، و ماهانه و... همان‌گونه است که انتظار می‌رود. ۳۹/۸ درصد روزنامه‌نگاران مطبوعات یومیه دارای عنوان شغلی خبرنگار یا گزارشگر، و ۲۰/۵ درصد عنوان نویسنده یا عضو تحریریه دارند. این نسبتها برای مطبوعات هفتگی به ترتیب ۲۷/۷٪ و ۲۳/۶٪ و گروه سایر مطبوعات (ماهنامه و فصلنامه‌ها و...) ۵/۷٪ و ۴۵/۳٪ است. وجود نسبت بالای ۲۷/۷ درصد خبرنگار در گروه نشریات هفتگی ناشی از انتشار بسیاری از نشریات محلی و ضمناً خبری، به صورت هفتگی است.



حوزه خبری خبرنگاران

دیدیم که از مجموع ۲۱۴۵ روزنامه‌نگار مورد بررسی، ۳۶۲ نفر (۱۶/۹ درصد) با عنوان شغلی خبرنگار مشغول فعالیت هستند و می‌دانیم، هر قدر خبرنگاران دارای حوزه‌های خبری ثابت و بادوامتری باشند، به تدریج از توان عرضه خبری بهتری برخوردار خواهند شد و از آن سو، تنوع حوزه‌های خبری و ناپایداری آن، برای یک خبرنگار، سبب عدم دستیابی او به احاطه لازم در موضوع خبری خواهد شد.

۷۸/۵ درصد از روزنامه‌نگاران گفته‌اند که حوزه خبری مشمول حرفه آنان نمی‌شود (مانند نویسندگان نشریات علمی و از این قبیل) ۹/۷ درصد به این سؤال پاسخ نداده‌اند. ۹ درصد گفته‌اند که یک حوزه خبری مشخص دارند، ۲/۳ درصد پاسخ داده‌اند که دارای چند حوزه خبری مشخص هستند و ۰/۴ درصد گفته‌اند که حوزه خبری مشخصی ندارند.

برای به دست آوردن تصویر دقیقتری از وضعیت حوزه‌های خبری مربوط به روزنامه‌نگاران شاغل در زمینه خبرنگاری، ماتریس میان دو پاسخ منعکس شده به شرح زیر استخراج شد:

وضعیت حوزه‌های خبری خبرنگاران	تعداد	درصد
۱- خبرنگارانی که دارای یک حوزه خبری مشخص هستند.	۱۸۶	۵۱/۴
۲- خبرنگارانی که دارای چند حوزه خبری مشخص هستند.	۴۵	۱۲/۵
۳- خبرنگارانی که گفته‌اند حوزه خبری شامل حرفه آنان نمی‌شود.	۶	۱/۶
۴- خبرنگارانی که حوزه خبری مشخص ندارند.	۷	۱/۹
۵- خبرنگارانی که به این سؤال پاسخ نداده‌اند.	۱۱۴	۳۱/۵
جمع	۳۶۱	۱۰۰

به این ترتیب می‌توان گفت که ۶۸/۵ درصد روزنامه‌نگاران ایران (اعم از تمام وقت و پاره وقت) دارای تحصیلات دانشگاهی، ۱/۸ درصد تحصیلات دبیرستانی‌اند. محاسبه کای اسکور نشان می‌دهد که از این نظر میان گروه‌های مختلف روزنامه‌نگار تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد.

میزان تحصیلات روزنامه‌نگاران تمام وقت و پاره وقت متفاوت است: با توجه به کای اسکور ۳۰۲/۴ و درجه آزادی ۷ با ۹۹/۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که این تفاوت معنی دار است. ۴۰/۳ درصد روزنامه‌نگاران تمام وقت دیپلمه هستند. در حالی که این نسبت برای پاره وقت‌ها ۱۵/۵ درصد است. ۷/۷ درصد تمام وقت‌ها فوق لیسانس دارند در حالی که این نسبت در پاره وقت‌ها ۱۴/۹ درصد است و نسبت دارندگان مدرک دکترا در تمام وقت‌ها

حداکثر فوق دیپلم هستند (۲۳/۶ درصد دیپلم، ۵/۵ درصد فوق دیپلم و ۱/۷ درصد کمتر از دیپلم)، ۳۵ درصد لیسانس، ۲۸ درصد فوق لیسانس و یا دکترا (۱۲/۶ درصد فوق لیسانس، ۱۵/۴ دکترا) و ۱/۸ درصد دارای تحصیلات حوزه‌ای (۰/۵ درصد مقدمات و سطح، ۱/۳ درصد خارج و اجتهاد) هستند.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، پاسخ ۳۳/۱ درصد خبرنگاران (ردیف‌های ۳ و ۴) به گونه‌ای است که نشان می‌دهد آنها عملاً، حوزه خبری مشخصی ندارند.

تعداد مشاغل روزنامه‌نگاران در مطبوعات ۱۰/۵ درصد جامعه آماری مورد بررسی، اظهار داشته‌اند که در نشریه، عهده‌دار بیش از یک شغل هستند، این نسبت برای روزنامه‌نگاران تمام وقت ۱۵/۹ درصد، روزنامه‌نگاران پاره وقت ۷/۹ درصد، روزنامه‌نگاران شاغل در مطبوعات روزانه ۱۱/۳ درصد، هفتگی ۱۴/۵ درصد و سایر نشریات ۹/۳ درصد است.

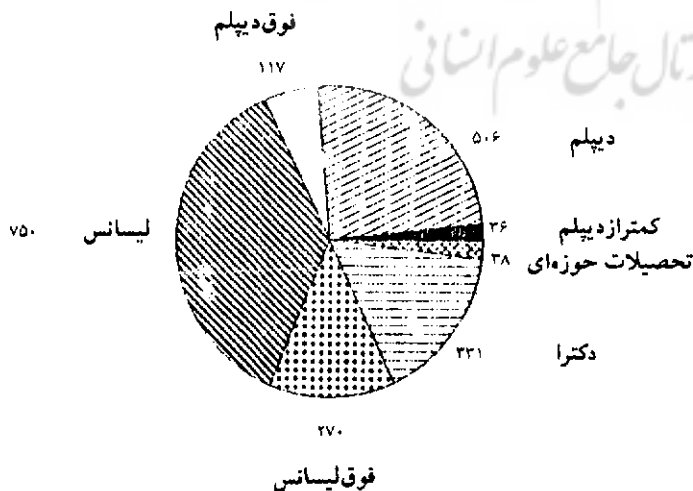
فصل دوم

مدارک تحصیلی روزنامه‌نگاران تحصیلات، تخصص و آموزش روزنامه‌نگاران ایران

اگر مدارک تحصیلی روزنامه‌نگاران ایران را تبدیل به اعدادی نمایم که نماینده سالهای تحصیلی آنان باشد (دیپلم ۱۲، فوق دیپلم ۱۴، لیسانس ۱۶، فوق لیسانس ۱۸ و دکترا ۲۲) میانگین سالهای تحصیل روزنامه‌نگاران ۱۶/۰۳ سال با انحراف استاندارد ۳/۳۷ سال است.

۳۰/۸ درصد روزنامه‌نگاران ایران (اعم از تمام وقت و پاره وقت) دارای تحصیلات

نمودار مدارک تحصیلی روزنامه‌نگاران ایران



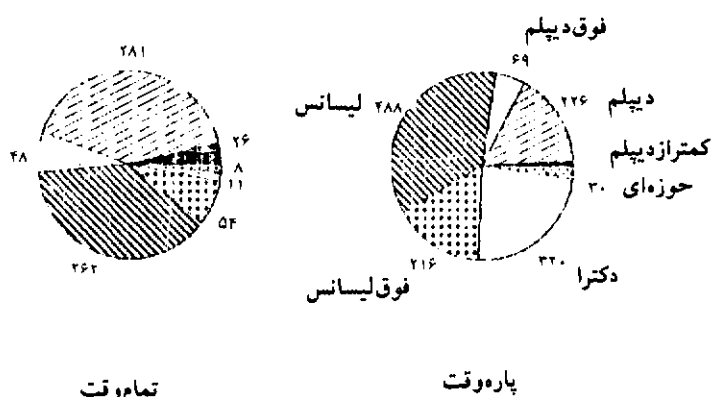
نمودار مدارک تحصیلی روزنامه‌نگاران تمام‌وقت و پاره‌وقت

استاندارد ۳/۴ سال) و تمام‌وقت ۱۴ سال با انحراف استاندارد ۲/۳ سال است. علت اصلی تفاوت میزان تحصیلات در میان روزنامه‌نگاران وجود تفاوت در روزنامه‌نگاران تمام‌وقت و پاره‌وقت است که در همه موارد از جمله تهران و شهرستان، و یا زن و مرد اثر می‌گذارد. چنین تأثیری را می‌توان در مقایسه انواع مطبوعات از نظر فاصله انتشار بهتر مشاهده کرد. زیرا دیدیم که توزیع روزنامه‌نگاران تمام‌وقت در میان انواع مطبوعات تفاوت‌های اساسی دارد. آنچنانکه ۸۰/۴ درصد روزنامه‌نگاران روزنامه‌های یومیه مملکتی تمام وقت هستند و فقط ۱۳/۷ درصد روزنامه‌نگاران مجله‌های علمی در حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی به صورت تمام‌وقت کار می‌کنند، در نتیجه سطح تحصیلات در انواع مطبوعات نیز متفاوت خواهد شد.

۸۹/۴ درصد روزنامه‌نگاران نشریات علمی - تخصصی غیر علوم انسانی دارای مدارک تحصیلی لیسانس و بالاتر هستند. این نسبت برای سایر گروه‌های مطبوعاتی عبارت است از مجلات علمی - تخصصی علوم انسانی و اجتماعی ۸۹/۳ درصد، علمی برای عامه ۸۳ درصد، مجلات عمومی ۵۷/۱ درصد، مطبوعات بین‌المللی ۴۸/۴ درصد، مطبوعات ناحیه‌ای و محلی ۴۵/۶ درصد، روزنامه‌های یومیه مملکتی ۴۵/۵ درصد، مطبوعات دینی ۳۰/۴ درصد و سایر مطبوعات ۵۷/۳ درصد.

میان وابستگی یا عدم وابستگی نشریه به سازمان‌های غیرمطبوعاتی و نوع مدرک تحصیلی روزنامه‌نگاران این نوع مطبوعات همبستگی دیده نمی‌شود (مقدار ضریب همبستگی لمبدا برابر ۰/۰۰۴۶ است).

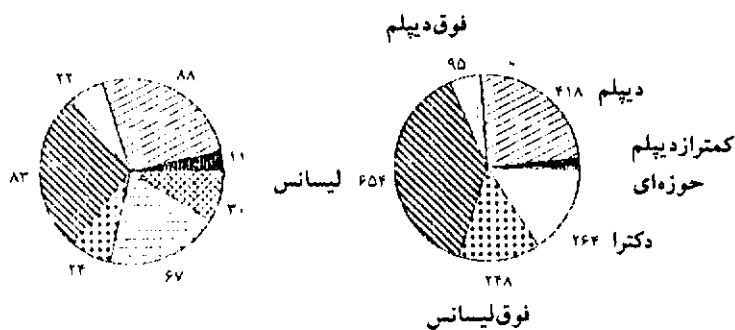
در بررسی سه رده مدارک دانشگاهی پس از فوق دیپلم مشاهده می‌شود که ۴۴/۹ درصد روزنامه‌نگاران مطبوعات علمی - تخصصی غیر علوم انسانی، دارای دکترای ۲۲/۶ درصد فوق لیسانس و ۲۱/۹ درصد لیسانس هستند. این نسبت برای مطبوعات علمی تخصصی علوم انسانی به ترتیب



به همین ترتیب میزان تحصیلات روزنامه‌نگاران زن و مرد (اعم از تمام‌وقت و پاره‌وقت) با توجه به کای اسکویر ۲۱/۵ و درجه آزادی ۷، متفاوت است. اما این تفاوت چندان قابل توجه نیست. (دکترای مرد ۱۶/۸ درصد و زن ۶/۵ درصد). قبلاً گفتیم که سطح سواد روزنامه‌نگاران تمام‌وقت و پاره‌وقت با یکدیگر متفاوت است و پاره‌وقت‌ها تحصیل کرده‌تر از تمام‌وقت‌ها هستند. در محاسبه میانگین سالهای تحصیل این دو گروه به خوبی می‌توان این تفاوت را دید. آنچنانکه میانگین سالهای تحصیل روزنامه‌نگاران پاره‌وقت ۱۷ سال (انحراف

۱/۶ در پاره‌وقت‌ها ۲۲/۱ درصد است. میان روزنامه‌نگاران تهران و شهرستانها (اعم از تمام‌وقت و پاره‌وقت) تفاوت معنی‌دار است (کای اسکویر ۱۵۷/۳، درجه آزادی ۷) ۳۶/۷ درصد از روزنامه‌نگاران تهران لیسانسیه هستند (شهرستانها ۲۶/۱)، فوق لیسانس در تهران ۱۳/۸ درصد و شهرستانها ۶/۷ درصد، تحصیلات حوزه‌ای در تهران ۰/۵ درصد و شهرستانها ۸/۴ درصد، میانگین سالهای تحصیل روزنامه‌نگاران تهران ۱۴/۳ (انحراف استاندارد ۲/۴ سال) و شهرستانها ۱۳/۵ (انحراف استاندارد ۲/۴) است.

نمودار مقایسه مدارک تحصیلی روزنامه‌نگاران تهران و شهرستان



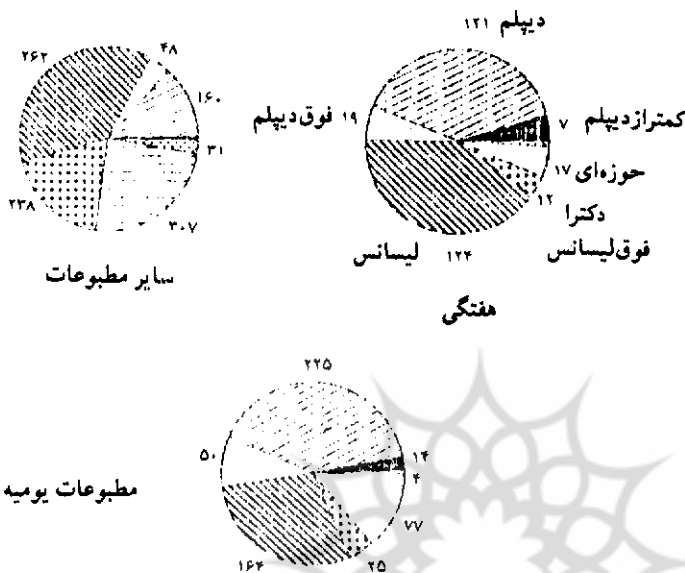
روزشنامه‌نگاران شهرستانها

روزشنامه‌نگاران تهران

مطبوعات هفتگی به ترتیب ۱۴/۴ و ۱۴/۴ سال است (انحراف استاندارد ۲/۳ و ۲/۸ سال).

۳۴/۶ درصد دکترا، ۱۹/۹ درصد فوق لیسانس، ۳۴/۸ درصد لیسانس و نشریات علمی برای عامه ۱۷ درصد دکترا، ۲۰/۲ درصد فوق لیسانس و ۴۵/۸ درصد لیسانس است.

نمودار مقایسه مدارک تحصیلی روزنامه‌نگاران به تفکیک انواع مطبوعات از نظر فاصله انتشار



بیشترین نسبت روزنامه‌نگاران دارای تحصیلات حوزه‌ای، در مطبوعات دینی متمرکزاند، به طوری که ۴۷/۸ درصد آنان دارای چنین تحصیلاتی هستند (روزنامه‌نگاران با تحصیلات حوزه‌ای در نشریات علمی تخصصی غیر علوم انسانی، علمی برای عامه و بین‌الملل و یومیه مملکتی دیده نشد).

با ۹۹/۹ درصد اطمینان میزان تحصیلات روزنامه‌نگاران مطبوعات یومیه، هفتگی و ماهانه و فصلنامه با یکدیگر متفاوت است (کای اسکویور ۴۶۳/۷، درجه آزادی ۱۴). ۷۵/۳ درصد روزنامه‌نگاران ماهنامه‌ها و فصلنامه‌ها، دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاترند (لیسانس ۳۴/۷ درصد، فوق لیسانس ۱۷/۵ درصد و دکترا ۲۳/۱ درصد). نسبت مذکور در مطبوعات هفتگی ۴۸/۱ درصد و مطبوعات روزانه ۳۹/۴ درصد است (در مطبوعات هفتگی ۳۹ درصد لیسانس، ۳/۸ درصد فوق لیسانس و ۵/۳ درصد دکترا و در مطبوعات روزانه ۳۳ درصد لیسانس، ۵ درصد فوق لیسانس و ۱/۴ درصد دکترا). در واقع چنین به نظر می‌رسد که نوعی همبستگی منفی میان فاصله انتشار و میزان تحصیلات روزنامه‌نگاران وجود دارد. برای آزمون این فرضیه، فاصله انتشار به روز به عنوان X و مجموع سالهای تحصیل به عنوان Y محسوب و ضریب همبستگی پیرسون (Pearson Correlation) محاسبه شد. ضریب به دست آمده ۰/۴- بود.

این همبستگی، ناشی از تفاوت میان روزنامه‌نگاران ماهنامه‌ها و فصلنامه‌ها با دو گروه دیگر مطبوعات (یومیه و هفتگی) است. آنچنانکه میانگین سالهای تحصیل روزنامه‌نگاران ماهنامه‌ها و فصلنامه‌ها ۱۷/۳ سال است درحالی که میانگین سالهای تحصیل روزنامه‌نگاران روزانه‌های یومیه و

بررسی میزان تحصیلات صاحبان حرفه‌های مختلف روزنامه‌نگاری نیز که از طریق ماتریس به دست آمد نشانگر تفاوت‌های خاصی است.

از ۳۶۲ خبرنگار مشغول به کار در مطبوعات (اعم از روزنامه‌های یومیه مملکتی، روزنامه‌های محلی - پاره‌وقت و تمام‌وقت) ۵۳/۹ درصد دارای تحصیلات دبیرستانی‌اند (۵۰/۳ درصد دیپلم، ۳/۶ درصد کمتر از دیپلم)، ۱۰/۵ درصد دارای مدرک فوق دیپلم هستند، ۳۰/۹ درصد لیسانس، ۲/۵ درصد فوق لیسانس، ۰/۳ درصد دکترا و ۰/۳ درصد تحصیلات حوزه‌ای دارند.

رشته‌های تحصیلی روزنامه‌نگاران فقط ۱/۶ درصد روزنامه‌نگاران ایران دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی در رشته روزنامه‌نگاری هستند. اگر فارغ‌التحصیلان علوم ارتباطات (از جمله علوم اجتماعی با

گرایش ارتباطات) که ۱/۵ درصد را همراه با روابط عمومی (۰/۱ درصد) رادیو و تلویزیون (۰/۱ درصد)، فیلمبرداری، سینما و عکاسی (۱/۳ درصد) زبان و ادبیات فارسی (۵/۴ درصد) و زبان و ادبیات خارجی (۵/۵ درصد) را به عنوان رشته‌های مرتبط با علوم ارتباطات در نظر بگیریم می‌توان گفت که ۸۴/۵ درصد روزنامه‌نگاران ایران فاقد تحصیلات مرتبط با روزنامه‌نگاری هستند.

این موضوع در مورد روزنامه‌نگاران تمام‌وقت و پاره‌وقت متفاوت است. ۳/۷ درصد روزنامه‌نگاران تمام‌وقت دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی در رشته روزنامه‌نگاری‌اند، ۲/۶ درصد علوم ارتباطات، ۰/۱ درصد روابط عمومی، ۰/۱ درصد رادیو و تلویزیون، ۱/۳ درصد سینما، فیلمبرداری و غیره، ۶/۵ درصد زبان و ادبیات فارسی و ۷ درصد زبان و ادبیات خارجی. به این ترتیب نسبت روزنامه‌نگاران تمام‌وقت دارای مدارک تحصیلی مرتبط

وضعیت مدارک تحصیلی	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر
روزنامه نگاری	۳	۲۸	۱
علوم ارتباطات	۲	۲۶	۵
روابط عمومی	-	۳	-
رادیو و تلویزیون	-	۳	-
سینما، عکاسی و فیلمبرداری	-	۲۶	۱
زبان و ادبیات فارسی	۳	۷۲	۲۲
زبان و ادبیات خارجی	۵	۸۷	۱۵

۲۱/۲ درصد مجموع روزنامه نگاران مذکور است. در حالی که این نسبت در روزنامه نگاران پاره وقت ۱۲/۸ درصد است. (روزنامه نگاری ۰/۶ درصد، ارتباطات یک درصد، روابط عمومی ۰/۱ درصد، رادیو و تلویزیون ۰/۱ درصد، سینما، عکاسی و فیلمبرداری ۱/۳ درصد، زبان و ادبیات فارسی ۴/۹ درصد و زبان و ادبیات خارجی ۴/۸ درصد).

مقایسه رشته تحصیلی مدارک روزنامه نگاران به تفکیک نوع نشریه- از نظر فاصله انتشار- نیز نشانگر تفاوت قابل توجهی است (رشته های مرتبط در مطبوعات روزانه ۱۵/۲ درصد، هفتگی ۱۸/۹ درصد و سایر ۱۵ درصد).

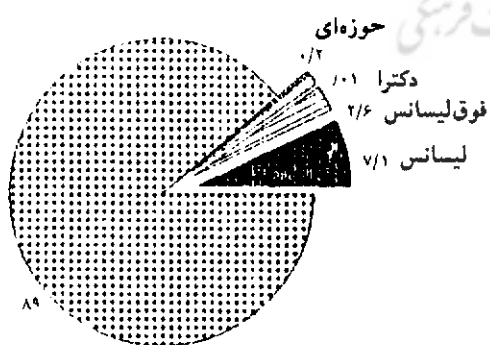
با توجه به تنوع مدارک تحصیلی، نوع مدرک هریک از رشته های مرتبط در جدول بالا آمده است:

بر اساس جدول فوق، مدرک ۱۲ درصد از روزنامه نگاران ایران لیسانس در رشته های مرتبط، ۲/۷ درصد فوق لیسانس و دکترا در رشته های مرتبط و ۰/۷ درصد فوق دیپلم در رشته های مذکور است.

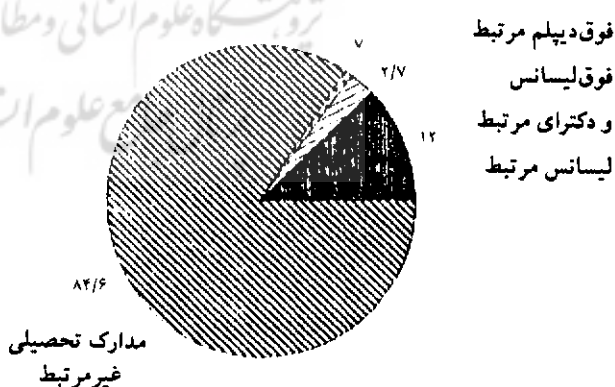
روزانه، هفتگی، و ماهانه و غیره نیز نسبتی در همین حدود را نشان می دهد. ۱/۴ درصد روزنامه نگاران مطبوعات یومیه، ۱/۸ درصد هفتگی و ۲/۲ درصد ماهانه و فصلنامه ها، تحصیلات قبلی مرتبط داشته اند.

مدارک تحصیلی قبل از فوق لیسانس یازده تن از روزنامه نگاران، مربوط به رشته های روزنامه نگاری، علوم ارتباطات، روابط عمومی، رادیو و تلویزیون است که فقط ۰/۵ درصد مجموع روزنامه نگاران را تشکیل می دهد. ۰/۷ درصد نیز زمینه تحصیلی قبلی در زبان و ادبیات خارجی. به این ترتیب سهم مذکور در مجموع، ۱/۹ درصد مجموع روزنامه نگاران می شود. این نسبت در روزنامه نگاران تمام وقت ۲/۳ درصد و پاره وقت ۱/۶ درصد است. مقایسه روزنامه نگاران مطبوعات

نمودار مقایسه نسبت روزنامه نگاری در حال تحصیل به کل روزنامه نگاران



نمودار مقایسه مدارک تحصیلی مرتبط و غیر مرتبط روزنامه نگاری روزنامه نگاران ایران



مقاطع تحصیلی روزنامه نگاران در حال تحصیل

یازده درصد روزنامه نگاران ایران در حال تحصیل هستند. ۷/۱ درصد در مقطع لیسانس، ۲/۶ درصد فوق لیسانس، ۱/۱

رشته های تحصیلی قبل از فوق لیسانس و بالاتر

گفته شد که ۲۸ درصد روزنامه نگاران ایران (اعم از تمام وقت و پاره وقت) دارای مدارک تحصیلی فوق لیسانس به بالا هستند.

درصد دکترا و ۰/۲ درصد تحصیلات حوزه‌ای.

براساس محاسبه فرمول کای اسکویر کوئین مک‌ناما را (Quin McNamara) برابر ۱۱/۲۹، نسبت روزنامه‌نگاران دانشجو در میان تمام وقتها بیش از پاره وقتهاست (۹/۵٪ و ۱۴/۳٪).

نسبت روزنامه‌نگاران دانشجو در مطبوعات یومیه نیز بیش از سایر گروههاست. کای اسکویر برابر ۲۱/۸۳ با درجه آزادی ۶ نشان می‌دهد که از این نظر با ۹۹/۸ درصد اطمینان، بین روزنامه‌نگاران سه گروه از مطبوعات تفاوت معنی دار است (۱۸/۱ درصد روزنامه‌نگاران مطبوعات یومیه، ۱۱/۳ درصد هفتگی و ۸/۳ درصد سایر مطبوعات به تحصیل در دانشگاه‌ها اشتغال دارند).

رشته‌های تحصیلی دانشجویان شاغل به تحصیل

۱/۸ درصد روزنامه‌نگاران در حال تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری و علوم ارتباطات هستند. اگر سهم دانشجویان رادیو و تلویزیون، سینما، زبان و ادبیات فارسی و خارجی را نیز به نسبت مذکور بیفزاییم، مجموع دانشجویان رشته‌های مرتبط، در میان کل روزنامه‌نگاران ۴/۱ درصد می‌شود. این نسبت در میان روزنامه‌نگاران تمام وقت ۵/۸ درصد و پاره وقت ۳/۲ درصد است.

درمقایسه روزنامه‌نگاران نشریات مختلف نیز دیده می‌شود که ۶/۸ درصد مجموع روزنامه‌نگاران مطبوعات یومیه، در حال تحصیل در رشته‌های مذکورند. نسبت مذکور در مطبوعات هفتگی ۵/۳ درصد و سایر ۳ درصد است. اما، گذشته از این، سؤال مهم این است که تا چه حد رشته تحصیلی روزنامه‌نگاران شاغل به تحصیل و موضوع نشریه‌ای که در آن فعالیت دارند مربوط است. مثلاً چه سهمی از روزنامه‌نگاران شاغل به تحصیل یک نشریه کشاورزی مشغول به تحصیل در رشته کشاورزی هستند.

بررسیهای به عمل آمده نشان می‌دهد که

نمودار مقایسه نسبت روزنامه‌نگاران در حال تحصیل در مطبوعات یومیه، هفتگی، و سایر

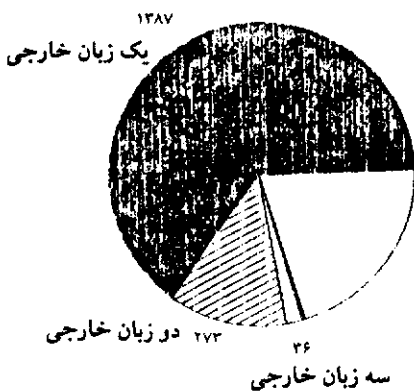


آشنایی با زبان‌های خارجی

۶۴/۷ درصد روزنامه‌نگاران ایران، حداقل به یک زبان خارجی آشنایی دارند (بی توجه به درجه تسلط) ۱۲/۷ درصد دو زبان خارجی به ۰/۲ درصد چهار زبان خارجی و یک نفر پنج زبان خارجی. با توجه به کای اسکویر برابر ۶/۹۸ و درجه آزادی ۴، می‌توان گفت که از این نظر تفاوت معنی داری میان روزنامه‌نگاران تمام وقت و پاره وقت دیده نمی‌شود. به همین ترتیب میان روزنامه‌نگاران مطبوعات مختلف (از نظر فاصله انتشار) نیز تفاوت چشمگیری دیده نمی‌شود (کای اسکویر ۱۵/۱، درجه آزادی ۱۰).

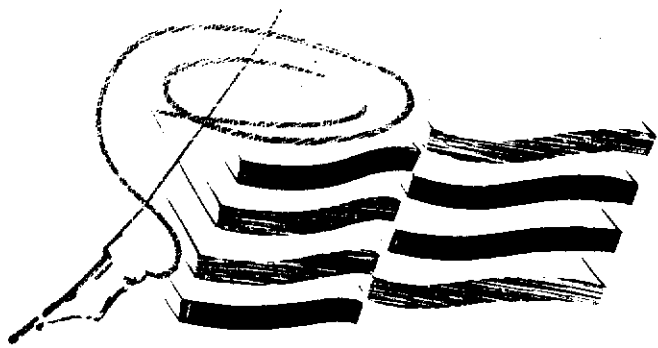
میزان تسلط به زبانهای خارجی به سه درجه تقسیم شده است:

نمودار مقایسه تعداد زبان‌های خارجی که روزنامه‌نگاران ایران با آن آشنایی دارند.



بیشترین رابطه میان رشته تحصیلی و موضوع نشریه، در میان دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری و ارتباطات وجود دارد که از میان ۳۸ روزنامه‌نگار مشغول به تحصیل در این رشته‌ها، ۱۸ نفر در روزنامه‌های یومیه مملکتی مشغول به کار هستند. پس از آن نشریات فنی مهندسی و علوم پایه قرار دارد که ۵ نفر از آنان شاغل در نشریات مذکور هستند. اما در اغلب موارد، رابطه‌ای میان رشته تحصیلی و موضوع نشریه محل کار دانشجویان دیده نمی‌شود. به عنوان مثال، از ۱۷ روزنامه‌نگار دانشجو در رشته‌های علوم فقهی و دینی، و الهیات و عرفان فقط یک نفر در یک نشریه دینی کار می‌کند و محل کار بقیه، روزنامه‌های محلی، مجلات عمومی، مجلات علوم انسانی، نشریات بانوان و نشریات کودکان و نوجوانان، نشریات اقوام و مطبوعات بین‌المللی است و یا از سه روزنامه‌نگار دانشجو در رشته کشاورزی، هیچ‌کدام در مجلات کشاورزی کار نمی‌کنند.

آشنایی ندارند یا بی جواب ۲۲۴



آموزش روزنامه‌نگاری با حضور استادان دانشگاه‌ها و در برخی موارد، روزنامه‌نگاران با تجربه در دانشکده‌ها و یا سازمانهای دولتی و یا مؤسسات دولتی و یا مؤسسات مطبوعاتی تشکیل می‌شد و هر بار گروهی از روزنامه‌نگاران در آن شرکت داشته و آموزشهایی را در زمینه حرفه خود می‌دیدند.

از مجموع ۲۱۴۵ روزنامه‌نگار شاغل در مطبوعات ایران، ۲۵۸ نفر را کسانی تشکیل می‌دهند که در دوره‌های آموزشی مذکور شرکت داشته‌اند (۱۲ درصد مجموع روزنامه‌نگاران) محل آموزش ۵۱/۶ درصد این عده در مؤسسات مطبوعاتی، ۳۷/۶ درصد در سازمانهای دولتی و ۱۰/۸ درصد در دانشگاهها بوده است.

با ۹۹/۹ درصد اطمینان (کای اسکویبر کوئین مکناما را برابر ۱۷۹/۹۹) روزنامه‌نگاران تمام وقت دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت روزنامه‌نگاری بیشتری را از پاره‌وقتها گذرانده‌اند. (۲۵/۷ درصد روزنامه‌نگاران تمام وقت و ۵/۵ درصد روزنامه‌نگاران پاره‌وقت).

کای اسکویبر کوئین مکناما را برابر ۰/۴ حاکی از آن است که تفاوت معنی داری میان نسبت روزنامه‌نگاران زن و مرد از نظر طی دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت روزنامه‌نگاری وجود ندارد. اما وجود کای اسکویبر کوئین مکنامارای برابر ۷/۵۷، نشانگر ۹۹ درصد اطمینان برای وجود تفاوت میان روزنامه‌نگاران تهران و شهرستانهاست. ۱۲/۹ درصد روزنامه‌نگاران تهران و ۷/۶ درصد روزنامه‌نگاران شهرستانها چنین دوره‌هایی را گذرانده‌اند. در مورد روزنامه‌نگاران تهران، ۸/۹ درصد یک دوره، ۳/۶ درصد ۲ تا ۳ دوره و برای شهرستانی‌ها ۵/۶ درصد یک دوره و ۱/۹ درصد ۲ تا ۳ دوره.

با توجه به کای اسکویبر برابر ۱۸۵/۳ (درجه آزادی ۳) با ۹۹/۹ درصد اطمینان، می‌توان گفت که تعداد دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت روزنامه‌نگاری که روزنامه‌نگاران طی کرده‌اند در نشریات

فصلنامه‌ها ۱/۷ درصد، هفتگی ۰/۹ درصد و روزانه ۰/۴ درصد است.

عربی

۳/۹ درصد روزنامه‌نگاران (۸۴ نفر) زبان عربی را در حد عالی می‌دانند. این تنها زبانی است که نسبت افراد مسلط به آن در میان روزنامه‌نگاران تمام وقت بیش از پاره‌وقت‌هاست. به طوری که ۵/۳ درصد تمام وقتها و ۳/۲ درصد پاره‌وقتها، میزان تسلط خود را به این زبان در حد عالی گفته‌اند و به همین ترتیب تنها زبانی است که میزان تسلط به آن در میان روزنامه‌نگاران نشریات روزانه بیش از هفتگی، ماهانه و فصلنامه است، به طوری که ۶/۴ درصد روزنامه‌نگاران روزانه میزان تسلط خود را به این زبان در حد عالی گفته‌اند. نسبت مذکور برای نشریات هفتگی ۵ درصد و سایر نشریات ۲/۷ درصد است.

سایر زبان‌ها

۱/۶ درصد روزنامه‌نگاران (۳۵ نفر) به زبانهای دیگری چون ترکی استانبولی، اردو، روسی، ایتالیایی و غیره در حد عالی تسلط دارند. نسبت مذکور در میان روزنامه‌نگاران تمام وقت ۲/۴ و پاره‌وقت ۱/۲ درصد است. این نسبت در مطبوعات روزانه ۱/۶، هفتگی ۳/۵ و سایر ۱/۲ درصد است.

گذراندن دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت روزنامه‌نگاری

طی سالهای گذشته، بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دوره‌های کوتاه مدت

متوسط (شامل پاسخهایی چون متوسط، در حد دیپلم، ضعیف و از این قبیل)، خوب (شامل پاسخهایی چون خوب، در حد لیسانس و از این قبیل) و عالی.

زبان انگلیسی

۲۰/۱ درصد روزنامه‌نگاران (مکب از ۴۳۲ نفر) زبان انگلیسی را در حد عالی می‌دانند. این نسبت در میان روزنامه‌نگاران پاره‌وقت بیش از دوبرابر تمام وقتهاست (۲۴/۷ درصد و ۱۰/۸ درصد) چنین تفاوتی در میان سه نوع نشریه از نظر فاصله انتشار نیز دیده می‌شود. ۲۶/۸ درصد روزنامه‌نگاران ماهانه و فصلنامه‌ها، میزان تسلط خود را به زبان انگلیسی در حد عالی ذکر کرده‌اند. نسبت مذکور برای روزنامه‌نگاران نشریات هفتگی ۱۰/۱ درصد و مطبوعات روزانه ۸/۹ درصد است.

زبان فرانسه

۳/۶ درصد روزنامه‌نگاران (۷۸ نفر) میزان تسلط خود را به زبان فرانسه در حد عالی گفته‌اند. این نسبت برای روزنامه‌نگاران تمام وقت ۱/۳ و پاره‌وقت ۴/۸ درصد است. همچنین برای روزنامه‌نگاران ماهانه و فصلنامه ۴/۷ درصد، هفتگی ۲/۵ درصد و روزانه ۱/۶ درصد است.

زبان آلمانی

۱/۳ درصد روزنامه‌نگاران (مکب از ۲۸ نفر) میزان تسلط خود را به زبان آلمانی در حد عالی تعیین کرده‌اند. نسبت مذکور در میان روزنامه‌نگاران تمام وقت ۰/۶ درصد، پاره‌وقت ۱/۷ درصد، ماهنامه‌ها و

یومیه، هفتگی و سایر با یکدیگر متفاوت است.

۲۸/۳ درصد روزنامه‌نگاران مطبوعات یومیه، ۱۴/۸ درصد هفتگی و ۵/۳ درصد در ماهنامه‌ها و فصلنامه‌ها چنین دوره‌هایی را گذرانده‌اند. بررسی به عمل آمده نشان می‌دهد که بیشترین تعداد شرکت کنندگان در دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاری - از میان مشاغل مختلف مطبوعاتی - مربوط به خبرنگاران است که شامل ۱۰۵ مورد می‌شود. پس از آن حضور ۵۵ نویسنده مطبوعات در این کلاسها قرار دارد. (۴۱ درصد شاگردان کلاسهای مذکور را خبرنگاران و ۲۱ درصد را نویسندگان تشکیل می‌دهد است) از آن سو، هیچ‌یک از ۷۰ استاد دانشگاه که اکثراً با مجلات علمی همکاری دارند و یا هیچ‌یک از ۷ شاعر و یا ۲۴ کارشناس، در این کلاسها شرکت نکرده‌اند.

جدول زیر، تعداد شرکت کنندگان مشاغل مختلف در دوره‌های مذکور را نشان می‌دهد:

مدرک تحصیلی	تعداد	آموزش کوتاه‌مدت روزنامه‌نگاری دیده
کمتر از دیپلم	۳۶	۱
دیپلم	۵۰۶	۱۲۲
لوق دیپلم	۱۱۷	۱۷
لیسانس	۷۵۰	۹۲
لوق لیسانس و بالاتر	۶۰۱	۱۷
تخصصیات حوزه‌ای	۳۸	۲
آموزش ندیده، یا بی‌جواب	۹۷	۷
جمع	۲۱۵۵	۲۵۸

توزیع روزنامه‌نگاران شرکت کننده در کلاسهای کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاری از نظر مدارک تحصیلی نیز نشان می‌دهد که بیشترین شاگردان این دوره‌ها را روزنامه‌نگاران دیپلمه تشکیل می‌دهد است، به طوری که از ۲۵۸ شرکت کننده در این کلاسها ۱۲۲ نفر (۴۷/۳ درصد) فقط دارای

مدرک تحصیلی دیپلم بوده‌اند:

بررسی ماتریس میان جدولهای بدست آمده نشان می‌دهد که سوای دیپلمه‌ها، بیشترین شاگردان کلاسهای کوتاه‌مدت را فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و همچنین زبان و ادبیات فارسی تشکیل می‌دهد. در میان شاگردان دوره‌های مذکور از میان فارغ‌التحصیلان رشته‌های روابط عمومی، رادیو و تلویزیون، فلسفه، خدمات اجتماعی و تعاون، کنابداری، مدیریت، تئاتر و کشاورزی، فردی دیده نشد.

مدت دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاری

۱۸/۴ درصد مجموع دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاری به نقل از روزنامه‌نگاران، یک ماهه و یا کمتر بوده است. ۲۰/۸ درصد تا ۲ ماه، ۲۹ درصد تا سه‌ماه، ۳/۴ درصد تا ۴ ماه، یک درصد تا ۵ ماه، ۱۴ درصد تا ۶ ماه، ۳/۴ درصد تا ۱۰ ماه و ۰/۳ درصد تا ۱۱/۹ ماه و ۹/۵ درصد ۱۲ ماه و بیشتر بوده است.

مدت دوره‌های آموزشی برگزار شده در مؤسسات مطبوعاتی بیش از مؤسسات دولتی و دانشگاهها بوده است.

ادامه دارد

شغل	تعداد	آموزش کوتاه‌مدت روزنامه‌نگاری دیده
صاحب امتیاز	۲۵	۶
مدیر مسئول	۵۵	۹
مدیر داخلی	۱۶	۱
سرپرست	۹۰	۱۶
قائم مقام یا معاون سرپرست	۱۸	۱
مدیر سرپرست، مسئول بخش	۱۵۳	۱۹
قائم مقام یا معاون سرپرست	۱۱	۶
خبرنگار، گزار شگر	۳۴۲	۱۰۵
نویسنده، عضو تحریریه	۷۸۰	۵۵
سازمانده و مقاله نویس	۲۹	۲
مسئول تحقیق، محقق	۳۰	۲
مترجم	۱۱۷	۱۶
ویراستار	۶۸	۵
مشاور	۱۲	۱
سرپرست نشریه در شهرستان	۲۳	۷
سایر حرفه‌ها	۷۰	۵
آموزش ندیده، یا بی‌جواب	۲۶۶	۲
جمع	۲۱۲۵	۲۵۸